

معماری مساجد جمهوری آذربایجان

نویسنده: ش. س. فتح الله بک

ترجم: لیلیا رین شه

تنظیم: سعید سعید سیدحسینی

قسمت آخر

با شروع نیمه دوم سده ۱۹ م و به موازات معماری بومی، معماران متخصص طرح ساختمانهای مذهبی را پی ریزی کردند، و شروع به ساختن آنها نمودند. این معماران نه تنها از ستهای معماری بومی عدول نکردند، بلکه حتی سعی نمودند که به ویژگیهای آنها نزدیک شوند. به عنوان نمونه، می توان به طرح مساجدی واقع در خیابانهای بالا باخشان و اوزان، در حومه باقماتلار شهر گنجه اشاره کرد که در ستهای ۱۳۰۱-۱۳۰۲ هـ. ق/ ۱۸۸۳-۱۸۸۴ م تهیه شده اند. در هر ۲ طرح، شمای آنگویی مسجد، چه به صورت نقشه و چه به صورت طرح حجمی، ارائه گردیده است. برای طرح حجمی آن، یک رف پهن سردر و ۲ محل کوچک در پهلوها، و همچنین یک تالار نمازخانه مرکزی که با گنبدی سر نیز مسقف شده، در نظر گرفته شده است.

چنین مسجدی، گزینۀ ساده شده همان جمعه مسجد معروف گنجه است که توسط معمار و دانشمند شیخ بهاء الدین ساخته شده بود، و بسیاری از طراحان مساجد بدو روی آورده بودند تا بتوانند طرحی مشترک میان سنت بومی و معماری اروپایی که در تقسیم بندی نماهای اصلی تأثیر داشت، بیابند.

منطقه شماسخی که از نظر ستهای مشهور معماری و آثار باستانی شهرت دارد، در نیمه دوم سده ۱۹ م، مخصوصاً شهر شماسخی، بر اثر زمین لرزه ای ویرانگر دچار بحران شد. در حال حاضر، از آثار قدیم و ترون وسطایی پانزدهت شیروانشاهان هیچ چیزی باقی نمانده است. جمعه مسجد شماسخی که تا هم اکنون باقی است، در سده ۲۰ م مطابق طرحهای مهندسان بومی برپایه های قدیمی مسجدی ساخته شده، که در زمان وقوع زمین لرزه سال ۱۹۰۲ م ویران گشته بود.

جمعه مسجد شماسخی نه تنها در نقشه تاریخی به عنوان یکی از باستانی ترین آثار معماری اسلام سده ۸ م محسوب می شود، بلکه از نظر طرح فضای داخلی خاص خود، از زمره ساختمانهای مذهبی مشهور ماوراء قفقاز است. راجع به ساخت ادواری جمعه مسجد شماسخی تا سده ۱۹ م هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. آغاز فرمگیری آن به اصفق سده ها می رسد، و ماکاری به مواد ترسیم (گرافیکی) یا حتی آن دوران نداریم. بسیاری از محققان تاریخ شیروان و دربند، معمولاً، حتی پادی از این مسجد نگرده اند، ولی تاریخ فرهنگ شهر شماسخی به طور مستقیم به ارتباط با آن است. طبیعتاً، در آغاز عربها مسجد کوچکی را که شامل مکانی با یک محراب رو به مکه بود، در این شهر بنا کردند.

این مسجد با دیگر ساختمانهای شهر هیچ گونه فرنی



پیشینه: علوم انسانی

سال چاپ: ۱۳۸۰

اشاره:

در قسمت اول گذشته ای از کتاب گونه شناسی معماری مساجد در جمهوری آذربایجان، نقش مسجد در ساختار حجمی - فضایی مناطق مسکونی، ترکیب گوناگون عناصر مسجد، و تحلیل فنی چندین مکتب معماری منطقه جمهوری آذربایجان بررسی شد. در قسمت پایانی، علاوه بر بررسی دامنه اشتراک و افتراق در معماری مساجد مناطق گوناگون آذربایجان، گونه های تشکله معماری مساجد منطقه توپا - کوسار تحلیل می شود.

دانشت، ولی در همان زمان هم از نظر مستحوا، بدون شک تصویری از یک ساختمان مذهبی جدید بود که در ظاهر معماری آن این امر تا حدودی متعکس می شد. مسلمانان عربی که این مسجد را ساختند، مسلماً تحت متشی اصلی خود را در ساخت آن نیز به کار بردند، ولی شکی نیست که افراد مسلمانان ذمه بومی هم در آن شرکت داشته اند.

امکان دارد که طرح معماری و اراغه حجمی هفت آغازین مسجد شمانی، به سبب استفاده از سلفهای گنبدگونه مورد قبول واقع شده باشد. این قبیل از سلفها توسط سبکهای ساختمانی بومی و با مصالح ساختمانی نظیر سنگ - آهک ساخته می شدند تا بتوانند به صورت سلفهای طاق دار بدون قوس درآیند. این پدیده دارای سنت بسیار قدیمی بوده، و استفاده از آن در ساخت مقفهای گنبدی شکل مساجد شمانی مسکونی و اجتماعی کاملاً متداول است.

در هر صورت، نوع جدید ساختمان مذهبی در ساختار این شهر، آغازی برای به وجود آمدن یک مجموعه کامل از ساختمانها در حول مسجدی و تبدیل آن قسمت به یک مرکز اجتماعی - تجاری شمانی بود.

جمعه مسجد شمانی که تا به امروز باقی مانده است امکاناتی را برای ما برجسته می آورد تا به قلمبستن تشکیلات طراحی آن پی ببریم و آن را مشخص سازیم. این مسجد چهار گوش، دارای ششمان بسیار بزرگی است، که به ۳ بخش مربع شکل مستقل که توسط گلدوگلهایی باز به یکدیگر راه دارند، تقسیم گشته است. چنین طرح مسجدی در اصل تا حدودی یادآور طرحهای بسیار مشهور عربی همچون مسجد امریان در دمشق و مسجد بزرگ کروهواست که هر دو به سده ۸هـ. ق/ ۸م تعلق دارند. در این طرح، امکان آن وجود داشت تا ساختمان را از خط محور اصلی به هر سو گسترش دهند، بدون اینکه ماهیت معماری و ساختمانی آنها کاملاً برهم بریزد.

جمعه مسجد دربند و دانشگاه ۷هـ. ق/ ۱۲م در آسیای مرکزی، از نظر شمای کلی نقشه به جمعه مسجد شمانی نزدیک است. جمعه مسجد شمانی از نظر ۳ قسمتی بودن فضای داخلی، بسیار شبیه بعضی از مساجد آسیای مرکزی (سده های ۵هـ. ق/ ۱۲-۱۱م) است. این مساجد بیاتنگر اربنایط و تأثیر متقابل تنگتنگ مابین کشورهای شرق مسلمان است. عاذه هر زمانی که مساجدی از این قبیل و مساجد جمعه همان دوران را بررسی کنیم، به این امر پی خواهیم برد که با تمام وجوه مشترک بین طرحهای مساجد شمانی مذهبی، باز هم طرح آنها به طرح مسجد شمانی کاملاً شباهت ندارد.

ساختار طرح سه قسمتی فضای داخلی جمعه مسجد به بخشهای مستقل، ادامه ایده ترسوم و بسط مجزای فضای محراب است. تا به حال در ساخت مساجد شمانی مذهبی پیشینیان، تقریباً به چنین سبکهایی برنی خود دیدم که در یک نفساً، آستان در کنار یکدیگر قرار داشته ولی به واسطه

بینه های از هم مجزا شده باشند، و در هر یک از آنها محرابی قرار گیرد که جهت آن دقیقاً به سمت مکه باشد.

در فاصله ۳ کیلومتری از شهر شمانی، در آبادی مجاور آبادی آخسو، خرابه های مسجد کسوجکی که در سال ۱۳۳۷هـ. ق/ ۱۹۱۸م در آتش سوزی سوخته بود، کشف شد، که طرح آن دقیقاً شبیه جمعه مسجد شمانی بود. زمان ساخت مسجد به دوران حکمرانی ابوسلمه، برادر خلیفه ولید، فاتح شیروان و داغستان و عروج اسلام در این کشور در سده ۸م مربوط می شود. در حقیقت، مساجد شمانی و آخسو ساختمانهای یک عصر هستند. این ساختمانها جزء گروه آثار شیروان هستند، و طرح آنها پدیده ای منحصر به فرد در معماری اسلامی است. این مساجد از نظر ترکیب فضای داخلی تقریباً شباهت با هم ندارند.

اولین پژوهشگران نرواستند نوعی برای خصوصیت غیر معمول طرح آن که دارای ۳ محراب بوده، دیدند. در هر صورت، اگر هفت آغازین جمعه مسجد از یک بخش محراب تشکیل یافته بود، پس باید با جریان زمان، این هسته به سیستم سه ششمانی با ایوان عمیق تغییر یافته باشد.

در این مسجد، هر یک از ششمانها به کنار مشخصی اختصاص داشتند. می توان حدس زد که تالار مرکزی و بسیار آراسته آن، جهت شیروانشاه و نزدیکان او بوده، ولی تالارهای جانبی مختص مردم عادی بوده است.

امکان دارد که سبک طراحی جمعه مسجد شمانی به مسجد آبادی آخسو تکرار شده باشد. می توان گفت که از آن زمان ۷هـ. ق/ ۱۳-۱۲م، در ساختار طراحی این جمعه مسجد، به استثنای نظم و ترتیب معماری و ساختمانی که در نتیجه تجدید بنا، ترمیم یا تعمیر اساسی حاصل شده، هیچ گونه تغییر اساسی صورت نگرفته است.

بعد از زمین لرزه، در شهر شمانی حالت خاصی به وجود آمد. به طوری که همه سعی داشتند عمل آن همه غرابی را مشخص سازند. زمانی که شاهعلی قاجار پرنس - زمین شناس - از تقلیب به آنجا رفت، از روی کتیبه ای عربی، سال پیروزی جمعه مسجد را که به سال ۱۲۶هـ. ق. مربوط می شد، مشخص کرد. و به این ترتیب، معلوم شد که جمعه مسجد شمانی بعد از مسجدها درنده (سال ساخت ۱۱۶هـ. ق/ ۷۳۴م)، قلمبستین مسجد در ماوراء النهر قلقلز است.

نقشه ها و تصاویر مناظر این مسجد قدیم تا به حال پیدا نشده است. تصویر منحصر به فردی که تا به حال از این مسجد به دست ما رسیده، اثر یک نقاش روسی به نام گ. گاکارین است.

تصویر گاکارین بدون شک، آن حجم از جمعه مسجد را که از قلمبستین دوران باقی مانده است، قطع نظر از تعمیرات و تغییرات تزییناتی که به سبب زمین لرزه و دیگر بلاهای حادث شده بر شهر صورت گرفت، منعکس می کند. ترکیب متقارن -

ساختمان با عظمتی همچون جمعه مسجد نبود. گنبد مرکزی، به کلاه فرنگی ساده‌ای ختم می‌شد. مناره‌های تازه مسجد هم به اتاقک‌هایی به همین شکل و ویژگی ختم می‌شدند. چنین تلسل اشکال معماری در ساختمان‌های مذهبی شامی، دارای سنت بسیار پایداری است.

امکان دارد که تعمیرات، از تخریب بندی مسجد جلوگیری کرده باشد، ولی در همین حال باعث از بین رفتن ویژگی‌های اصلی و قدیم سبک آن نیز شده است. جمعه مسجد، سازه‌ای بودن اشکال فضایی، اهمیت نیم‌سرخ قدیم و پویایی کثرت معماری را از دست داده است. اگر کیل نمای ظاهری مسجد به سبب اقدامات ساختمانی اصالت عسود را از دست داده است، در عوض تزئینات ظریف فضای داخلی آن هنوز باقی است.

جمعه مسجد تا آغاز سده ۲۰ م، همچنان در مرکز شهر قرار داشت. در سال ۱۳۹۱ هـ. ق/ ۱۹۷۱ م به هنگام حفیفات باستان‌شناسی، بقایای یک سردر قدیمی که ورودی مرکزی آن به حیاط مسجد بود، پیدا شد. نظم و ترتیب طراحی محوطه، معرف مجموعه‌های مذهبی آذربایجان قرون وسطی است. این مسجد با یک حیاط وسیع که در مرکز آن حوض بزرگ فواره‌داری قرار دارد، و شاخه دوختان تنومند کهن آن بر روی ساختمان ختم شده است، در عمق قرار می‌گیرد.

تا زمانی که زمین لرزه عظیم سال ۱۳۲۰ هـ. ق/ ۱۹۰۲ م رخ نداد، بود مجموعه جمعه مسجد ضمن حفظ اهمیت مرکزیت خود در این ترکیب، از نظر حجم و نما شاخصی برای این شهر بود. در این شهر در زمان زمین لرزه تمام ساختمان‌های سکرونی، مذهبی و غیره آسیب دیدند.

در ماه اکتبر سال ۱۳۲۱ هـ. ق/ ۱۹۰۳ م، کمیته جمع‌آوری امانت برای بازسازی جمعه مسجد، تشکیل یافت. مسئولیت حفظ بقای نیمه مخروب این مسجد که ترون متحدی به عنوان نماد وجودی و عظمت شیروانشاهان باقی مانده بود، به عهده این کمیته گذاشت شد. به سبب نبود نقشه‌های اندازه‌دار و سایر مدارک، بازسازی کامل آن مشکل بود. راه دیگر، ساختن جمعه مسجد جدیدی بر روی پایه قدیمی قبلی بود. متأسفانه، کمیته بدون در نظر گرفتن ارزش و اهمیت این مسجد به عنوان یک اثر تخصصی، به فرد و بسیار مهم معماری، فرامورد دوم اقدام کرد. بزودی ساختمان نیمه ویران این مسجد قدیمی را تا پایه‌های آن خراب کردند، و شروع به ساختن مسجد جدید بر روی آن نمودند.

کمیته به ز. ب. احمد بیگوف پیشنهاد کرد تا طرح ساختمان جدید جمعه مسجد را تهیه نماید، ولی سعی کند محیط ساختمان ویران شده حفظ و تا حد ممکن از قسمتهای موجود پایه‌ها استفاده شود.

پایه ساختمان گذاشت شده و اکثر قسمتهای دیوار پستی با محراب مرکزی ساخته شده بود، و کار ساخت قسمتهای جانبی

محوری مسجد، در فرم مخروطی گنبد مستمرکز شده است. تقسیم‌بندی سه قسمتی فضای داخلی، در ظاهر توسط گنبد‌های مرکزی و کوچک‌جانی نشان داده شده است. از همین رو، قسمتهای تشکیل دهنده این گنبد‌ها بسیار مهم و با معنا هستند، و طرح کلی آنها زیبا و خوش منظره است. گنبد آن، که برپویایی کثرت معماری محاسب شده، در مقابل حجم افقی مسجد قرار گرفته است.

جمعه مسجد شامی بعد از خسارت زهادی که بر اثر زمین لرزه سال ۱۳۷۶ هـ. ق/ ۱۸۵۹ م بر آن وارد شده بود، مسود



مسجد لرزه‌زده با ساختمان فراتر

بازسازی کلی قرار گرفت. تغییراتی اساسی در سقف قسمت فوقانی مسجد صورت گرفت که باعث تغییر جزئی نیم‌سرخ آن شد.

معالغ ساختمانی جدیدی که از روسیه آورده می‌شد، از جمله ورق آهن شیروانی، این امکان را فراهم ساخت که سقف سنگی گنبد مسجد را با آن بیوشاند تا از تأثیر مخرب نزولات آسمانی در امان بماند، و از خرابی نقاشی‌های قدیم و نقش و نگارهای فضای داخلی آن معانیت به عمل آید. شیروانی روی گنبد‌ها ناب‌دار بود؛ یعنی عنصری ظاهراً تزئینی، ولی شایسته

ادامه داشت، که بین معمار و کمیته اختلاف افتاد. کمیته از مهندس ای. ک. پلوشکو تقاضا کرد که طرح این مسجد را ادامه دهد. لیکن، پلوشکو ضمن حفظ طرح ز. ب. احمد بیگوف، طرح معماری خویش را نیز پیشنهاد کرد. ای. ک. پلوشکو در سال ۱۹۰۹ م طرحی را به کمیته ارائه کرد. این ترکیب از نظر ویژگی طرح حجمی شدیداً متوازن، ولی از نظر ساختمان تغییر پذیر بود. مناره‌های خوش تراش آن که از صحن سر بر می‌آوردند و استوار سر به سوی آسمان آبی می‌کشیدند، به همراه ستون‌هایی که تا قرینز فرورفته و بالکنهای باز حجره دار سبک را نگ می‌داشتند، بر حجم افقی خانقاهی اصلی احاطه داشتند. بر همین اصول معماری، ما نیز سرخ باشکوهی را داشتیم که انعکاسی از مجموعه کاخ شیروانشاهان داشت.

رواق ورودی مرکزی، حلیف شده بودند، و به جای آنها از دهانه‌های مستطیلی شکل با ستون‌های اصلی استفاده کرده بودند. به سبب دقیق در نیامدن مرکز دهانه‌ها، جلوه‌ای راکه ریشم دهانه‌ها باید به این ترکیب می‌داد و طراح بر روی آن حساب کرده بود، نمی‌داد. عناصر مهم نمای سرخ که مناره‌ها هستند، ساخته نشدند. امکان دارد که صرفه جویی در مصالح، منجر به این وضع شده باشد. در مورد عناصر اصلی، اجزای ستون‌ها، سرستون‌های آنها، و ساخت قرینزها و سقف احجام، ایده سازنده کاملاً اجرا گردید. بدیهی است که چنین سرپوشی از طرح نخستین، باعث کاهش کیفی طرح معماری این ترکیب شد.

سطح بالای کار و سنگ آهک زیبایی که در ساختمان به کار

ترکیب نیزسرخ، ساختار کیفی آن را مشخص می‌کرد، و در ضمن باعث شکل‌گیری حجمی قسمتهای اصلی نیز می‌شد. قسمت‌بندی سه قسمتی پلان، نقش نمای را در پیدایش فضای داخلی ایضا نمی‌کرد، بلکه این کار - طبیعتاً - بر ویژگی سیمای ظاهری احجام که توسط سازنده به صورت ۳ گنبد پیشنهاد شده بود، انعکاس داشت. گنبدعا به سمت مرکز کشیده شده بودند و از گوشه‌ها توسط مناره‌هایی تزیین پانته، نگه داشته می‌شدند. در اینجا ایده پدیدآوردن تپان هم نقش داشت، ولی فقط در نقشه دیگری یعنی به صورتی که یک گنبد گرد مخروطی کنگره‌دار خاص آسیایی مرکزی که بر ستونی استوانه‌ای و بلند مستقر بود، در مقابل گنبدعای سطح قسمتهای جانبی قرار می‌گرفت.



حاجت‌آوردن تپان

طرح محور مرکزی ساختمان که اهمیتش از طرفین جایگاه ممتاز آن در ساختار معماری - طراحی شهر معلوم می‌شد، بوضوح مفهوم مشابه تراکم حجمی را داشت. محل ورودی مسجد که بر محور مرکزی نمای اصلی قرار داشت، به شکل رواق یا ایرانی بود که سقف آن به گنبدی ختم می‌شد. یله پهن اصلی به این رواق متصل می‌شد تا ترکیب هنری حجمی - مکانی چشمه مسجد را تکمیل کند. منشأ رواق با طاق قوسدار نشئت گرفته از نمونه‌های معماری اسلامی هند اواخر عصر مغولان کبیر بود. با وجود سس و گوشه‌ای که به کار رفته بود تا در سبک کلی مسجد ویژگیهای بومی رعایت شود، با این حال خصوصیات معماری التقاطی از نظر سبک بوضوح در این ساختمان دیده می‌شد و چشمگیر بود. ساختمان مسجد کاملاً به تمام نرسیده بود که در زمان جنگ سال ۱۳۳۷ هـ. ق / ۱۹۱۸ م، بر اثر آتش سوزی آسیب زیادی دید. کتیبه‌های قلبی راه هم که در بدنه ساختمان این مسجد جدید قرار داده بودند، از بین رفتند.

رفت، تا حدودی از تراکم که اعضای کمیته در امر ساخت جمیع مسجد به سبب صرفه جویی در مصالح با آن موافقت نکرده بودند، کاست.

اهمیت جمعی مسجد در تاریخ معماری آذربایجان چنان بالاست که مطالعه دقیق آن در نقشه معماری باستان‌شناسی و علمی - تحقیقاتی باعث می‌شود تا تصویر کاملی از تاریخ این ساختمان فرهنگی قدیم مجسم، و همچنین بسیاری از جنبه‌های معماری مکتب شیروان - آبخوران روشن شود.

همزمان با نیمه مسجد، مسجد دیگری به نام مسجد اشام، طبق طرح ز. ب. احمد بیگوف در شمالی ساخته شد. چند سال قبل از آن، در سال ۱۳۲۲/۱۹۰۶ احمد بیگوف مسجد دیگری نیز برای شهرگوری جای ساخته بود. در اصل، احمد بیگوف ایده معماری مسجد گوری چای را با استفاده از شیوه‌های معماری بومی در مسجد امام پیاده کرده بود.

قابل ذکر است که به هنگام ساخت این مسجد، در نمای اصلی آن انحراف از طرح وجود داشت، که نادیده گرفته شده بود. طاقهای پشت سر هم مستقر بر ستونهای واحد به همراه

ساختمانهای مذهبی منطقه نسکی - زاگانال، برخلاف ساختمانهایی همچون مسجد قره باغ، در زنجیره کلی تکامل



مسجد آقاخان محمد مسجد نوحا

آن به هیچ وجه از سقف گرده، گنبد و طاق توردار - که اهمیت فضای داخلی مساجد را افزایش می دهند - استفاده نشده است. در گروه کاخ - بلوکان، طاق جناغی به عنوان یک عنصر بارز محسوب می شود. در گروه نوحا، به موازات اشکال گنبدی شکل سقف چوبی شبستان، از فرم ساختمانی باز - همچون مسجد واقع در جمعه چای - استفاده شده است.

در معماری نمای مساجد گروه نوحا از مصالح ساختمانی بومی، همچون آجر پخته و سنگ رودخانه برای گزینته های مختلف هنری آنها به صورت گسترده استفاده شده است. در اساس ترکیب معماری ساختمانها، از سنن صحیح معماری مردمی استفاده شده است که در طول زمان آزمایش خود را پس داده و در خانه سازی همگانی نتیجه مثبت داشته اند. این امر را به خصوص می توان در معماری آن قبیل از ساختمانهای مساجدی که از طاقهای توردار طاقچه دار، فالانهای طولی و ایوانهای نارپک در آنها به صورت گسترده استفاده شده است، دنبال کرد.

معماری در ساختار حجمی - مکانی ساختمانهای مذهبی، در اراغه محتوای الگویی آنها، به عناصر معماری مؤثر این ترکیب یعنی منارها جایگاه مهمی را اختصاص می دهد. گروه نوحایی از چندین ساختمان مذهبی نوع شهری تشکیل یافته است. جمعه مسجد (علیا و سفلی)، مسجد واقع در خیابان آندام اولی و مساجد آبادها دارای منار نیستند، بلکه به جای آن دارای کلاه فرنگیهای کوچکی برپای شیروانی ساختمانها هستند.

گروه ساختمانهای مذهبی کاخ، به عنوان حلقه میانی بین گروههای نوحا و زاکاتان محسوب می شود. این گروه به وجود آورنده سبکها و اصول ترکیب جدید و طرحهای حجمی بسیار مهم هستند.

در مساجد منطقه کاخ، سیمای کلی طرح که در گروه نوحا هم پذیرفته شده بود تکامل یافت، ولی از نظر شکل بسیار کاملتر و گرهاتر بود. در نقشه شبستان بسته به تعداد ردیفهای ستون در جهت عرضی، ساختار داخلی شبستانها در جهت طولی مشخص

معماری آذربایجان به عنوان یک حلقه مستقل محسوب می شوند. شکی نیست که در اینجا شرایط طبیعی - اقلیمی، اجتماعی - اقتصادی و ستهای معماری نقش داشته اند، و بر شکل و شکل گیری ساختمانهای مذهبی این منطقه تأثیر گذاشته اند.

استفاده از مصالح ساختمانی محل، همچون آجر پخته و قلمه سنگ رودخانه ای که در نماها کاربرد دارند، و استفاده وسیع از چوب در فضای داخلی، باعث می شد که سازماندهی معماری - مکانی مساجد شهرها و آبادها از قبل مشخص گردند. در این بخش جا دارد به این موضوع اشاره شود که مساجد آبادی از نظر ارزش حجمی و معماری، اغلب بر مساجد شهری ارجحیت دارند. احجام بزرگ و مناره های ۲۵-۳۰ متری مجزا از یکدیگر آنها نسبت به مساجدی، همچون جمعه مسجد نوحا، تأثیر بخشی شده ای دارند، و احساسات را برمی انگیزانند. از این موضوع نباید چنین نتیجه گیری کرد که تمام مساجد آبادها جالبتر از مساجد شهری هستند.

در ساختار مساجد منطقه شکی - زاکاتان پدیده خاصی مشاهده می شود. هر قدر به طرف شمال بروید یعنی از نوحا دور و به سمت زاکاتان نزدیک شوید، به همان اندازه طرح فضای داخلی دارای فرم پیشرفته تر و حتی پیچیده تری می شود. ساختمانهای مذهبی این منطقه را می توان متناسب با نظام تشکیلات شبستان آنها به انواع سه، چهار و پنج شبستانی تقسیم بندی کرد.

ساختار طراحی شده ساختمانهای مذهبی گروه نوحا، به صورت یک سالن مستطیلی کاملاً کشیده همراه بنا بالکن سربازی است، که به ایوان سرپوشیده و ستوندار اتصال دارد. در پشت این سالن، شبستان قرار دارد که توسط ستونهای سنگی یا چوبی تقسیم بندی شده است. این ستونها، تکیه گامی جهت نگهداری طاقهای بزرگ هستند.

کمیبود تعداد طرحهای معماری خاص فضای داخلی ساختمانهای مذهبی، حتی جمعه مسجدها، با هیچ چیز جبران نگردید. بنابراین نسبت به محرابها و عناصر تزئینی خاص فضاهای داخلی نوجویی نشد.

به موازات اشکال ناهنجار ستونهای نگهدارنده ساختمان سقف شبستانها شکل جدیدی از سقف قسمت فوقانی شبستان به طرح حجمی - طراحی آنها رسوخ کرد. شکل گنبدگونه سقف که از ویژگی ساختمانی سقف چوبی شبستان است، به فضای داخلی ساختمانهای مورد مطالعه ما شکل خاصی می دهد. سقف شبستان با چنین ویژگی را فقط می توان در یکی از آبادهای منطقه کاخ مشاهده کرد.

در ساختمانهای مذهبی گروه نوحا، در معماری شبستانهای

شده است. معمولاً، محور ترکیب اصلی پلان ساختمان مسجد، محور عرضی است که در امتداد محراب قرار دارد. بر همین اساس، شمای طراحی مسجد ریخته شد.

در ساختار حجمی - مکانی شبستان، ستون یا پایه های باربر و طاقهای قوسدار که در اصل راهنمای طرح معماری فضای داخلی هستند، دارای ارزش مخصوص به خودند.

در آن زمانی که در گروه مساجد نوحا ستونها عمدتاً دارای ویژگی ساختمانی سودمندی بودند، در اینجما پایه ها و یا ستونهای هشت گوش به عنوان یک عنصر معماری در شکل گیری ترکیب کلی فضای داخلی به گونه ای مؤثر نقش

داشتند. این موضوع زمانی بیشتر نمایان می شد که آنها طاقهای نیمدایره ای شکل بزرگ را در حالی که سقفها بر روی آنها تکیه داشتند، نگه می داشتند. طاقهای مقوس تکیه بر تکنیک ساختار فضاهای داخلی مساجد و همچنین گزینه های مختلف آن، یعنی از خیلی ساده - مسجد واقع در آبادی - مارسان (۱۳۳۱ هـ. ق/ ۱۹۱۲ م.) تا خیلی پیچیده - مسجد واقع در آبادی چودولو، (۱۲۸۹-۱۳۱۱ هـ. ق/ ۱۸۶۳-۱۸۹۳) و گیبورلورک (۱۳۳۱ هـ. ق/ ۱۹۱۲ م.) - دارند. به خاطر وجود نیم ستونهای چهارضلعی با سرستون، طاقچه های سطح با طاق قوسدار، نیمرخهای ظریف تقسیم بندیها و آرایش تزینتی محراب، و به موازات اشکالی که دارای یک منشأ معماری هست، فضاهای داخلی مساجد به گونه ای درمی آیند که می توان هر زمان آنها را تغییر داد.

با وجود این موارد مؤکد معماری، فضاهای داخلی مساجد بسیار ساده هستند. در آنها اثری از عناصر نفیس، نقش و نگار تزینتی و خط تزینتی عربی که در آثار اصهار گذشته به صورتی باشکوه ارائه می شد، دیده نمی شود. فقط مساجد منطقه پاکو - آیشوران یا سن غنی خود در این راستا، سیمای سبک شرقی را در ساختمانهای نظیر مساجد تازه پیر، اتناق، سلطانعلی و غیره حفظ نموده اند.

به استثنای مسجد کاخمقال (۱۲۸۲ هـ. ق/ ۱۸۶۷ م) که در آن طاق قوسدار نقشی در تکامل ترکیب کلی ندارد، در سایر مساجد تشکیل یک زمینه معماری واحد با گزینه های مختلف طاق نیمدایره ای را می دهد، که درنمای اصلی به گونه دالان یا سردر است. برخلاف ساختمانهای گروه نوحا که در ساختمان نمای اصلی آنها به طاق قوسدار به عنوان یک شکل خاص نگریسته شده است، در اینجا طاق قوسدار به عنوان یک عنصر تعالی محسوب می شود. به همین خاطر است که در طرح دالان، طاقهای نیمدایره ای به صورتی بسیار مشخص نشان داده شده اند.

در ایجاد ترکیب نمای اصلی مساجد، شیوه های زیر طراحی شده اند که برای استفاده از طاقهای قوسدار هستند: با یک طاق مرکزی، با ایوان سه طاقه در مرکز و دیوارهای جانبی دو طبقه، با ایوان پنج طاقه و ایوان هفت طاقه.

در حالی که تمام مساجد دارای شیوه های ترکیبی مشترک برای تقسیم بندی نماها و عناصر ستونهای باربر هشت گوش هستند، با این حال به خاطر مقیاس ساختمان و ویژگیهای متمایز خود را حفظ نموده اند. به این جهت، کار تزین نماها، از جمله نماهای اصلی نیز بر اساس حداکثر بهره وری از کیفیت هنری آجر و قلوه سنگ رودخانه ای طراحی شده است. شکل آجرچینی و ساختمان سقفهای قوسدار که با گچبری مستور نشده باشد، در تزین نما به عنوان عناصر معماری عمل می کنند.

مساجد گروه زاکاتال، کاملاً به انواع بسیار متکامل



مناره مسجد زاکاتال، در کاتان

ساختنمانهای مذهبی این منطقه تعلق دارند. ولی این مساجد، ساختمانهایی معمولی هستند که از نظر مقیاس و ساختار ترکیبی احجام، در سطح تخصصی پایین فرار دارند. در ساختار ساختمانهای مذهبی گروه کاخ، ایوان یا رواق، نمای اصلی مسجد به عنوان یک عنصر اصلی معماری محسوب می شود. در گروه زاکاتال، به موزات همین سبک، گرایش به غنی سازی حجم ساختمان از طریق ایوانها و نماهای جانبی دیده می شود.

متنابقاً در ساختار طراحی گروه ساختمانهای مذهبی زاکاتال و به موزات رواق - ایوان نمای اصلی، از سبکهای ترکیبی دیگری استفاده شده است که معماری این ساختمانها را غنی ساخته است. مساجد منطقه شکی - زاکاتال از نظر سیمای الگویی خود کلاً به ساختمانهای بومی بیشتر شبیه هستند تا به ساختمانهای مذهبی.

عنصر اصلی و مهم ترکیب معماری در این ساختمانها، طاق نیمدایره ای قسمت بزرگ آن است، که مشخصه این ساختمانها را تعیین می کند. تمام قسمت بندی نماها و فضاهای داخل، عناصر و قطعات معماری تابع این شکل هستند. رواج طاق نیمدایره ای در این منطقه، ریشه عمیق تاریخی دارد، زیرا در گذشته قسمتی از آلبانیایی قفقاز در اینجا واقع شده بود، و در معماری آنجا طاقهایی به این شکل جلوه خاص خود را داشتند. آثاری که قدمت خود را حفظ کرده اند، و در منطقه شکی - زاکاتال پراکنده اند، مؤید این امر هستند.

در ترکیب معماری ساختمانهای مذهبی منطقه شکی - زاکاتال، مناره‌های با ارتفاع ۲۵-۴۰ متری آنها بر زمینه کائول سبز باغها و ساختمانهای مسکونی یک پا دو طبقه منطقه، نقش مهمی را ایفا می کنند. البته، در تمام مساجد به چنین مناره‌هایی برنمی خورید. حتی بسیاری از مساجد دارای کلاه فرنگیهای کوچک بر روی شیروانی ساختمانها هستند، اما در دیگر مساجد به هیچ وجه منار و کلاه فرنگی وجود ندارد.

در گروه نوحا، در ترکیب جمعه مسجدهای علیا و سفلی و در مسجد واقع در خیمابان آنداملی اوزلی منار وجود دارد. در گروه کاخ، فقط در مسجد آبادی کاشمقال و چودولو منار وجود دارد. مناره‌های جمعه مسجد علیا در نوحا و کاشمقال، جزء حجم ساختمان محسوب می شوند. دیگر مناره‌ها - از جمله مناره‌های گروه زاکاتال -، جدا از ساختمان سر به آسمان کشیده اند.

جذابترین، هنری ترین و گیراترین مناره‌ها از نظر تناسب و تزئینات، مناره‌های مساجد گروه زاکاتال واقع در موصل، علی آباد، بلوکان، وازخابان و لایچ هستند. اگر مناره‌های جمعه مسجد علیا در نوحا، مساجد کاشمقال و چودولو از نظر ساختار شکل معماری، تناسب و یک جود از کار درآمدن نهرخ، دارای

اصولی کلی هستند که به نحوی آنها را به مناره‌های منطقه قره باغ نزدیک می سازند، مابقی مناره‌ها تجلی کار مستقل معماران در طرح معماری ترکیب آنهاست که این امر فقط مختص منطقه شکی - زاکاتال است.

معمولاً، مناره‌ها جزء لاینفک ترکیب کلی ساختمانهای مذهبی هستند، و در طراحی قسمتهای مساجد، محل مشخص را برای آنها در نظر می گیرند که از حجم اصلی به اندازه ۸ تا ۱۵ متر فاصله دارد. یک ترکیب معماری که بدنه گرد یا هشت گوش ۲۵ تا ۴۰ متری منار مسجد در مقابل حجم اصلی با ظاهری به فرم گرد فرار می گیرد، برای معمار امکانات هنری زیادی را به وجود می آورد.

بدنه استوار مناره‌های تراشداري که از آجر پخته ساخته شده اند، به صورت یک ترکیب معماری کاملاً بلند ارائه شده اند. منار به جهت نیرسخ برآزنده و با اهمیت خود، بر قابلیت هنری ترکیب می افزاید. تمام ارتفاع منار به سبب نقش تزئینی برجسته تراشهای با اشکال هندسی خود یک فرم معماری - شکل پذیری را به وجود آورده است. برجستگی تراشها بر اثر گرد بودن نقش تزئینی، از سطح اصلی حاصل شده است. به این جهت، این تراش به منار یک شکل معماری زنده داده است. این سبک، خاص ساخت طرح دیوارهای ساختمانهای مسکونی بومی بوده، ولی برای معماری منار هم می شد از آن استفاده کرد.

معمولاً بودن منار از کل ساختمان، پدیده بسیار رایج در معماری کشورهای شرق مسلمان است. این مناره‌ها از نظر طرح ترکیبی دارای سبکی نزدیک به هم هستند، ولی در اصل، چنین ترکیبی به دوران تکامل معماری کشورهای شرق مسلمان ترون وسطی تعلق دارد.

مناره‌های ساختمانهای مذهبی منطقه شکی - زاکاتال در نیمه دوم سده ۱۴هـ. ق/ ۱۹م هم از آجر ساخته شده اند، ولی به شکلهای دیگر، قسمت بندیهای متناسب و گویای ترکیب بلند این مناره‌ها تشکیل یک شکل معماری واحدی را داده اند، که سطوح ساختمان سرتوبانیان به صورت اشکال غیر بیچینه تزئینی درآینده اند. در اینجا، از روکش غنی تزئینی خاص کشورهای شرق برای مناره‌ها استفاده نشده است تا در لوای آن، این ترکیب حسودی بزرگ را به یک شکل تزئینی چشمگیر مبدل سازند.

اگر مناره‌های دیگر مناطق آذربایجان در دوره مورد مطالعه ما از نظر ترکیب معماری، تناسب قسمت بندی و ساختار تزئینی تا حدودی پیوند خود را با گذشته حفظ کرده اند، و به معماری کشورهای خاور نزدیک شباهت دارند، منطقه شکی - زاکاتال از این نظر همسایه ندارد و برای آذربایجان به عنوان منطقه ای منحصر به فرم محسوب می شود.

در قیاس با گروه جنوب دافستان، در طرح معماری - طراحی ساختمانهای مذهبی منطقه شکی - زاکاتال کلاً پدیده غالب و

لنکران آنها از نظر حجمی با چیزی مجزا نگشته اند تا معلوم شود که این دو با یک سبک ترکیبی واحد طراحی شده اند. تمام مساجد منطقه لنکران یک طیفه بود، و بر سبکی نسبتاً کوتاهی به صورت حجم متوازی السطح بنا شده اند، مصالح دیوار آن از آجر پخته است. شیروانی بلند سفالین با لبه بلند آن که تقریباً یک سوم عرض کلی مسجد را می پوشاند، جزء لاینفک حجمی ساختمانهای مذهبی است. به این ترتیب، حجم افقی با شیروانی بلند چهار شبیه سفالین با رنگی اثر بخش و لبه بزرگ، سیمای حجمی - مکانی

عجیب و فرییبی دیده می شود؛ در ضمن مشابهت شرایط اقلیمی، مذهبی و اجتماعی - معیشتی آن با منطقه شکی - زاکاتال و اکثر مساجد آبادهای جنوب دافغانستان، آنها به صورت ساختمانهای یک طبقه ای هستند که دارای شیبان یک قسمتی و پالکتهایی در جلوی نمای جنوبی و یک قسمت محراب هستند. به این خاطر، نماهای جنوبی مساجد دافغانستان در ساختار حجمی، به عنوان عناصر مهم اصلی و ترکیبی محسوب می شوند. ولیکن محرابهایی که از نظر حجم بیش از نصف عرض آن را گرفته اند، اهمیت کارکردی آن را از بین برده اند. اما جایگاه برتری آنها در ترکیب کلی مساجد، در پس نماهای جنوبی محفوظ مانده است. همناً باید به این نکته اشاره شود که معماران نسبت به عناصر و قطعات، چه در طراحی نماها و چه در فضای داخلی شیبانهای مساجد جنوب دافغانستان، توجه خاصی مبذول داشته اند.

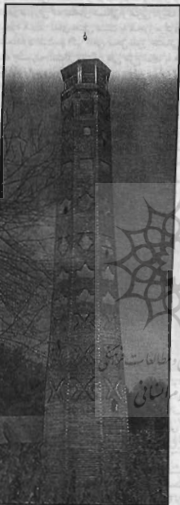
این ۲ مورد اساسی و مهم، ساختمانهای مذهبی جنوب دافغانستان را از ساختمانهای مشابه آنها در منطقه شکی - زاکاتال متمایز می سازند.

اولاً، در این منطقه معمولاً نماهای اصلی مساجد شمالی، دارای اهرانی دراز می باشند، و تمام روز تقریباً در سایه هستند. نماهای جنوبی هم نقش کمکی را در این ترکیب ایفا می کنند.

ثانیاً، توجه کافی نداشتن و پهای اندک دادن به ارزش اجزا و قطعات معماری در یک سیمای هنری، بیرونه فضای داخلی، موردی نیست که کم اهمیت تلقی شود. لیکن تمام این موارد از طریق طرح حجمی - مکانی ساختمانهای مذهبی، مقیاس بزرگ شکل‌های معماری، با اهمیت شرفه نیرخ، دقت در ساختار طراحی با استفاده از نظام مفهومی و انتخاب صحیح شمایی ساختمانی، جبران شده است.

همان اندازه که معماری، از جمله معماری ساختمانهای مذهبی در مناطق مختلف آذربایجان دارای ویژگی خاص خود می باشد، در منطقه لنکران هم می توان طرح‌های اصولی معماری - ترکیبی خاص خود را دنبال کرد. بارش فراوان نزولات جوی، فراوانی گیاهان، و آب و هوای گرمسیری منطقه لنکران باعث شده تا خانه ها دارای پالکن فوقانی و پالکتهای باز بوده و از هر نظر به دیگر مناطق آذربایجان نزدیک باشند.

از نظر نقشه، منطقه لنکران در اصل از یک مکان تک قسمتی شبستان، و اغلب با یک اتاق جنبی برای کارهای غیردینی تشکیل شده است. برای اینکه ساخت سقف پراحتی صورت گیرد، وسط شبستان را با ستونهای چوبی باریک تقسیم کردند. در منطقه مورد مطالعه ما همچون منطقه شکی - زاکاتال، ایوان یا بالان وجود ندارد. این سیمای مشخص کننده سیمای طراحی مساجد است. اگر در مساجد منطقه شکی - زاکاتال، محرابهای واقع در نماهای جنوبی توسط احجام کوچک مجزا شده اند - مثل محرابهای واقع در مساجد دافغانستان - در منطقه



بی نظیری شکل‌های معماری و همگن بودن اجزا، متمایز هستند. ساختمان‌های ملعی منطقه قوبا - کوسار، به استثنای مساجد شهر قوبا، دارای چنان تزییناتی نیستند که ساختمان‌های ملعی منطقه شکی - زاکاتال دارا هستند.

بدون استفاده از مدارک مربوط به تکامل ساختمان‌های ملعی منطقه قوبا - کوسار در دوران اولیه رواج اسلام، می‌توان حدس زد که این مساجد در اصل یک گنبد شمس بوده‌اند یعنی فضای داخلی آنها از یک قسمت تشکیل یافته بود. مسجد آبادی آلیچ (۱۱۲۱ هـ. ق/۱۷۰۹ م) بسیار قدیمتر از ساختمان‌های ملعی دوره مورد نظر ماست. فضای مستطیلی شکل مسجد با یک شیروانی چهارشیبه که به یک کلاه فرنگی در نوک آن ختم می‌شود، سقف شده است. این ترکیب حجمی - مکانی بسیار ساده ساختمان‌های ملعی منطقه، با وجود تمایزاتی چند در جهت پیچیدگی نسبت اصلی ساختمان، همپتان به صورت نمود بارز موضوع کارکردی باقی مانده است.



مسجد روستای سارون، قوبا

چنین ثبات در طرح ساختمان‌های ملعی را، چه از نظر حجمی - مکانی و چه از نظر معماری - طراحی، باید در ارتباط با تداوم سنن معماری، استفاده از مصالح ساختمانی سنتی محلی، و ویژگی‌های طبیعی - اقلیمی منطقه بررسی کرد. در این مجموع، خصایص اصلی معماری منطقه‌ای، سبک‌های ترکیبی و

ویژه مساجد منطقه لنگران را مشخص می‌کند. پیرو نزدیکی بزرگ شیروانی بر روی عرض پالکن فوقانی، امکان آن را فراهم ساخت تا ساختمان بدون ایوان باشد. این امر مختص مناطق با نزولات جوی بسیار زیاد است.

از تجزیه و تحلیل مساجد منطقه لنگران، چه در ارتباط با طرح و چه در ارتباط با معماری، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ساختمان‌های ملعی از یک نوع هستند. درنقشه، معمولاً مسجد مکانی یک مستطی است که از طرف جنوب و شرق نورگیری می‌کند، در صورتی که نماهای شمالی و غربی تاریک و تقریباً بدون پنجره هستند. نمای اصلی نسبت به محور مرکزی ترکیب مساجد متوازن است، و اگر گاهی محل امور خدماتی به تالار نمازخانه چسبیده است بر ویژگی کلی طرح نماها به هیچ وجه تأثیر نگذاشته است.

نماها توسط چهارچوب - رفهای مستطیلی شکل کم عمق طراحی شده‌اند. در این چهارچوب‌ها روزنه‌هایی برای درهای نیمه‌پایه‌ای و پنجره‌های سرشبی در نظر گرفته شده است.

آجرچینی تزیینی در معماری نماها، ویژه در سطح هموار چهارچوب، بسیار رواج داشته است. دهانه بزرگ پنجره‌های سرشبی همواره با شیشه‌های رنگی و شبکه‌های مختلف الشکل، آنها را به معماری ساختمان‌های مسکونی سده ۱۲ هـ. ق/۱۸۰۴ م، از جمله به معماری کاخها نزدیک ساخته‌اند. به موازات این عناصر معماری، پیش آمدگی بزرگ شیروانی نیز در ترکیب مساجد سهیم است. این پیش آمدگی توسط یک نظام خوب طراحی شده طره‌های طبقه‌ای جلو آمده و همچون یک اصل مهم معماری، حجم افقی مسجد را با شیروانی چهارشیبه بلند یکی می‌سازد.

چنین مختصر مهم معماری مساجد را در این منطقه، تنها می‌توان در مسجدی واقع در آبادی پتسار (سده ۱۳ هـ. ق/۱۹۰۴ م) دید، که طرح معماری آن از نظر شکل و آرایش تزیینات بسیار شبیه مسجدی در شهر رشت - جنوب آذربایجان - است.

اگر مساجد آبادیهایی منطقه لنگران، بی نظیری و خاص بودن سبک معماری بومی را در خود حفظ کرده‌اند، مسجد عاشقی بازار در لنگران یک نمونه تأثیرگذار از نظام ساختمان‌های سنسوندار بر سنن بومی است. این تأثیرگذاری را می‌توان در کارهای چوبی روی دیوارها، پروفیله کردن طاق‌های نیمه‌پایه‌ای چهارچوب دروازه و پنجره‌ها، و در تقسیم بندی فضاهای اصلی و طبره مشاهده کرد. با تمام این ویژگی‌ها، مسجد عاشقی بازار ویژگی طراحی و حجمی - مکانی ساختمان‌های ملعی نوع سنتی خاص منطقه لنگران را نیز حفظ کرده است.

ساختمان‌های ملعی منطقه قوبا - کوسار نسبت به ساختمان‌های سایر مناطق آذربایجان، چه از نظر ترکیب معماری و چه از نظر طرح، از نوع دیگری است. این ساختمان‌ها از نظر

هنری ساختمان نیز نقش داشته‌اند. این عناصر پی در پی تکامل یافتند، و تنوع انواع ساختمانهای مذهبی را به وجود آورده‌اند.

گزیده‌های ساختار حجمی مساجد عبارتند از: بدون بالکن نورانی، با بالکنهایی در مقابل نماها، باروتی در نمای اصلی، اشکال هشت گوش در نقشه با یک فضای داخل شیبستان، فضای یک فسمتی یا سقف گنبدی، و با گنبدی کاذب در شیبستان.

چنین تنوع انواع ساختمانهای مذهبی منطقه قریا - کوسار، آنها را از دیگر مساجد مناطق آذربایجان و داغستان متمایز می‌سازد. با وجود نزدیک بودن ویژگیهای طبیعی - اقلیمی و ساختمانی منطقه قریا - کوسار، در اینجا یک سبک حجمی - مکانی و ترکیبی کلی به وجود نیامد تا برای ساخت ساختمانهای مذهبی اساس کار باشد. به این جهت، به استثنای یک مسجد در آبادی یورشاری استال، در داغستان مسجدی، چه به صورت هشت گوش و چه به صورت ساختمانهای گنبددار، ساخته نشد که بام شیروانی چهارشیبه با کلاه فرنگی داشته باشد. لیکن در طرح هنری بالکنها و فضاهای داخل، در آنجاهاپی که از ستونهای چوبی یا زیرتیرهای شکلدار استفاده شده است، می‌توان ارتباط متقابل و تأثیر متقابل ۲ مکتب مربوط به استفاده از چوب را احساس کرد. مسلماً، در اینجا استادکاران بومی مهارت زیادی داشته‌اند، زیرا عناصر و قطعات معماری را که آنها به وجود آوردند، دارای چنان اصول زیباشناختی برای ساخت حجمی - مکانی ساختمانها شد که ارزش و اهمیت آنها را بالا برد، و این آثار را به یک اثر معماری مردمی اصیل تبدیل ساخت.

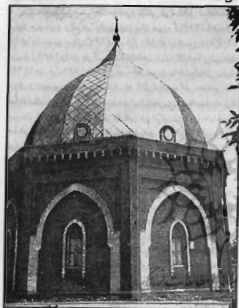
ساختمانهای مذهبی مرفوع مباحثی هستند که در آنها ستهای معماری، ساختمانی و هنری منطقه، در یک جا جمع شده‌اند. با وجود وجود مشترک میان سبکهای معماری - ساختمانی، ساختمانهای مذهبی منطقه قریا - کوسار، شرایط خاص معماری اثر خلاقه‌اش نیز در هر یک از این ساختمانها دخالت داشته است. بر همین اساس، انواع مختلف ساختمانها، یعنی از مسجد کوچک آبادی آلیچ تا مسجد جمعه، به شکل هشت گوش شهر قریا که قطر گنبدش به ۱۶ متر می‌رسد، به وجود آمده‌اند.

گونه اول مساجد

نوع اول مساجد عبارتند از: ساختمانهای که از یک شیبستان بدون طبقه نورانی تشکیل یافته‌اند، مانند مساجد واقع در آبادیهای آلیچ (۱۱۲۱ هـ. ق/ ۱۷۰۹ م)، آلسان (۱۲۲۲ هـ. ق/ ۱۸۰۷ م)، و تنگه آلتی (۱۳۰۸ هـ. ق/ ۱۸۹۰ م) این نمونه از ساختمانهای مذهبی، چگونگی تکامل اولین نوع ساختمانها را نشان می‌دهند. مسجد آبادی آلیچ، ساده‌ترین نوع آن است، ولی در شکلها و پرداخت نقاشیهای در و پنجره آن، هنر

استادکاران بومی چنان نقش داشته که این عناصر را به صورت آثار هنری درآورده‌اند. در آنها اصول تزیینی اشکال هندسی، ماهرانه با تزیین سطح عربی درآمیخته‌اند.

چنین طرح ترکیبی از عناصر نما و در عین حال تراش هنرمندانه چوب، پدیده نادری در معماری ساختمانهای مذهبی منطقه قریا - کوسار محسوب می‌شود، ولی تراش هنرمندانه چوب در آنها، بویژه در ستونها و زیرتیرها، در سطح بالاتر قرار دارد. دوباره ثبات و توالی سنن هنری تراش چوب، چنین گفته‌اند: در منطقه شکی - زاکاتال تراش چوب رایج است، ولی در اصل این هنر را برای ساخت منبرهایی به کار می‌برند، که سطح ساعت آنها خارج از چهارچوب کنده کاربهای معمولی است. اکثر منبرهای منطقه شکی - زاکاتال از نظر پرداخت چوب، از آثار اصیل هنر تزیینی - تجریم محسوب می‌شوند. از این نظر، هیچ منطقه‌ای یا منطقه شکی - زاکاتال برابری نمی‌کند.



جمعه مسجد قریا

طرح معماری - طراحی مسجد آبادی گیجان (۱۲۲۲ هـ. ق/ ۱۸۰۷ م) از جهتی، مرحله بعدی طراحی و ساخت مساجد بدون بالکن است که فضای داخل شیبستان آن به صورت بسیار پیشرفته شکل گرفته است. ترکیب فضای داخل آن، بر روی تیرهای افقی طویل روی ستونها ساخته شده است. این تیرهای افقی، بام مسجد را به کمک یک نظام دو ردیفه از ستونها یا زیرستون شکلدار نگه داشته‌اند. ستون چوبی پراز کنده کاری

عناصر هنری در نماها و مشخص شدن محور ورودی با یک سردر، نشان از خلالت معماری دارد که با مکتب معماری اروپا آشنا بوده است. ولیکن شمای طرح ریزی شده تالار نمازخانه با دو رده ستون حمال گنبد مرکزی منشأ محلی دارد. این موضوع پروژه در فضای داخل محسوس است. یعنی در آنجا که نظام گنبدیهای زاویه دار و گنبدیهای میانی برای گنبد مرکزی عمل می کنند. شکل پذیری زیاد دیوارها، حجیم بودن فضای داخل، طاقهای جناغی پنجره ها و رفتهها، ترکیب جالبی از شبستان به وجود آورده اند. آنچه مسلم گشته این است که ساختمان فضای داخل مسجد توسط عناصر حجیم (گنبدیها و طاقهای قوسدار)، بر سیمای ظاهری مسجد که کلیتاً سبب ساختمان مذهبی را در خود حفظ کرده تأثیر نگذاشته است.

گونه چهارم مساجد

این نوع مسجد، به شکل هشت گوش یا شبستان یک قسمی است. نوع مشابه این مسجد، در واقع، فقط به مسجد منطقه قوبا - کوسار تعلق دارد، و طریقه به وجود آمدن آن می تواند در ارتباط با دلایل مختلف باشد. امکان دارد که گزینه چنین نقشی ای بعد از آشنایی معمار با مسجد هشت ضلعی در بیت المقدس پیدا شده باشد. فرضیه های که بر اثر پیدا شدن مسجد هشت گوش این منطقه مطرح شده اند، منجر به دستیابی به معماری ساختمان مذهبی آذربایجان گردیده است.

مسجد روستای آوران بعد از سال ۱۲۲۵ هـ. ق/ ۱۸۲۹ م ساخته شد، اما بر روی یکی از دیوارهای آن همین تاریخ نوشته شده است. این کتیبه را سریعتر از هر چیز از روی ساختمان قدیم مسجد برداشته بودند. به همین جهت، جمعه مسجد واقع در قوبا را باید به عنوان اولین ساختمان از این نوع به حساب آورد، ولی مابقی که جزء مساجد آبادیها هستند، نعت تأثیر مسجد سابقل شود به وجود آمده اند. جمعه مسجد قوبا، ساختمانی آجری از نوع آثار تاریخی است. این ساختمان، چه از نظر ترکیب حجیم - مکانی و چه از نظر طرح شبستان، بسیار پیشرفته است. نقشه جمعه مسجد از نظر شکل بسیار شبیه نقشه مسجد بوخاری استال است. این مطلب را می توان در ویژگی نوع ساخت عناصر نیم ستونهای زاویه دار، در ساخت رفهای سر نیز فضای داخل، و در ساختمان پوشش گنبد مشاهده کرد. فضای داخل جمعه مسجد پروژه قسمت حاشیه دار و گنبد آن، با اشکالی هندسی به صورت ظریف نقاشی شده است. گنبد با قطر ۱۶ متری آن مطابق بهترین سن هنر شرقی ساخته شده، و بخوبی با حاشیه ای غنی و قسمت فوقانی نیم ستون فضای داخل منطبق شده است.

مسجد روستای آوران که از نظر ترکیب حجیم - مکانی شبیه سیمای ظاهری جمعه مسجد قوباست، از نظر ویژگیهای ساختمانی، از جمله ساختمان گنبد، دارای طرح کاملاً متمایزی است. گنبد این مسجد سبک و چوبی است، و از نظر ساختمانی

آن، قبل از هر چیز دنباله اشکال ویژه سرستون است، نه زیستون، ستون و سرستون، تشکیل یک مجموعه واحد هنری را می دهند، و در فضای داخل شبستان بسیار خوب عمل می کنند. در اینجا، فرایند تکامل ساختمانهای مذهبی به وضوح بیانگر تغییرات کوچک، چه در ساختار حجیم - مکانی و چه در ساختار درون شبستان، در مساجد منطقه قوبا - کوسار است. این ترکیب بر اصول ساختار مستقل سبکها و اشکال کلاسیک فرار گرفته است. در اینجا، تأثیر مکتب معماری رسمی که در اماکن به کار برده می شدند، مشاهده می شود. با این حال، ساختمان مسجد از نظر دقت ترکیب حجیم و گویایی زبان هنری ممتاز است، ولی ویژگی و جلوه خود را از دست داده است.

گونه دوم مساجد

مشخصه این مساجد، وجود پالکن در مقابل نماهاست، مانند مساجد واقع در آبادیهای زندان مورگ (۱۲۲۱ هـ. ق/ ۱۸۲۵ م)، سوسای (۱۲۶۷ هـ. ق/ ۱۸۵۰ م)، خورای (۱۲۸۳ هـ. ق/ ۱۸۶۶ م)، اوچوگسون (۵۵۵ هـ. ق/ ۱۱۶۰ م) و نی دون (۱۲۹۶ هـ. ق/ ۱۸۷۸ م). این مساجد نمونه ساختمانهای بسیار هنری و حجیم - مکانی هستند. در کنار ترکیب کلی حجیم، در ساختمانهای مذهبی این نوع، ستونهای چوبی که با مهارت زیاد درست شده اند، نقشی مؤثر دارند. این ترکیب به ساختمانهای مذهبی منطقه مضمون هنری جدیدی می دهد، نقش و نگار ترکیب را بیشتر می کند و پرورش و اهمیت آنها در نظام شهرسازی امکان جمعیتی می افزاید.

گونه سوم مساجد

از ویژگیهای این مساجد، وجود ایوان در نمای اصلی است. این نوع، توسط یک نمونه بسیار جالب در شهر قوبا ارائه شده است، مانند مسجد سبینه خاتم (۱۲۷۱ هـ. ق/ ۱۸۵۲ م). در ساختار ترکیب حجیم این مسجد، شیروانی چهارشبه با شیب تند و کلاه فرنگی مشاهده می شود. مسجد سبینه خاتم در نقشه به شکل مستطیل است. این مسجد چه از نظر معماری و چه از نظر طرح فضای داخل شبستان، دارای ویژگی کاملاً متفاوتی است. اما روش ساخت حجیم آن بیانگر نبضت شیوه های سنتی ساختمان سازی این منطقه است. ترکیب حجیم - مکانی مسجد از جهت تاریخی بودن شاخص است. نماها از نظر دقت در تقسیم بندی متناسب، چه در جهت افقی و چه در جهت عمودی، متمایز می شوند. برخورد بسیار تخصصی نسبت به طرح ترکیب، استفاده بسیار درست از وسایل معماری و ساختمانی در این ساختمان نسبت به بسیاری از ساختمانهای مذهبی منطقه قوبا - کوسار، مشهود است. در اینجا، ساخته شدن اشکال معماری، ترتیب جابجایی



مسجد کوسار با ۱۵ کوسه

آن هم تحت تأثیر معماری دافغان ساخته شده است. این امر در خصوصیت نقشه نماز، در طرح ستون و تزیین سطح یا طاقهای کوچک منعکس شده است. منار به عنوان یک عنصر اساسی و مهم ترکیب معماری ساختمانهای مذهبی، آن طور که باید و شاید در منطقه قویا - کوسار رواج نیافت، همچنانکه گنبد نیز در مساجد دافغان رواج نیافت. با این حال، منطقه قویا - کوسار، ویژگیهای معماری - طراحی و ترکیبی اصولی خود را ارائه دادند. این ویژگیها، مشخصه ساختمانهای مذهبی را از طریق یکی از مکاتب معماری بومی آذربایجان سده های ۱۳ هـ. ق/ ۱۹ م و آغاز سده ۱۴ هـ. ق/ ۲۰ م مشخص کرده اند.

فرایند کلی معماری آذربایجان دوره مورد مطالعه ما، تشکیل خط مشی منطقه ای را در معماران آنجا مشخص نمود، و باعث به وجود آمدن ساختمانهای جالب و مهم بر اساس سنن بومی شد. معماری ساختمانهای مذهبی مناطق مختلف آذربایجان بر اساس ویژگیهای خاص خردشان شکل گرفت. این ویژگیها، صورت مهم خود را در زمینه کلی تکامل معماری ملی تشکیل می دادند.

مناسب تر و مقرون به صرفه تر است.

این گنبدهای چوبی، همانند شکل هشت گوش پلان ساختمانهای مذهبی، به منطقه قویا - کوسار تعلق دارند. گنبد چوبی کلاهنورد مانند ساختمانهای مذهبی منطقه، از نظر تنوع اسلوب ساختمانی متمایز هستند، و در نبرخ سکونتگاهها مضمون هنری جدیدی را کسب نموده اند.

ظهور گنبدهای چوبی در ساختمانهای مذهبی، موجب پیدایش ترکیب جالب حجمی - مکانی و معماری - طراحی شد. مسجد آبادی نیوگدی متنوعترین انواع ساختمانهای مذهبی منطقه را در خود جمع کرده است. در اینجا، یک فضای محرومی با پالکتهایی در نماها ارائه شده است، ولی در طرح فضای داخل یک شبستان پیشرفته با پالکتهایی دو طبقه در دورتادور، آن مشاهده می شود. قسمت مرکزی شبستان با یک گنبد چوبی پوشانیده شده، که نحوه تراکم حجم و معماری آن کم نظیر است.

ساختار ساختمان مسجد آبادی اتیخ که جزء سری ساختمانهای نوع یک قسمتی شبستان با سقف گنبدی است، در تداوم جالب همین ترکیب معماری قرار دارد.

گونه پنجم مساجد

این مسجد با نقشه چهارگوش (۱۶/۴۰ × ۱۵/۰۵ متر)، توسط یک گنبد چوبی به شکل کلاهنورد مسقف شده است، ولی در زوایای حجم اصلی آن منارهایی تزیینی بر روی سقف مستقر شده است. در این مسجد، ترکیب حجمی - مکانی و طرح فضای داخل شبستان با سقف نقاشی شده گنبد، توجه را جلب می کند. در ساختمانهای مذهبی منطقه قویا - کوسار، نقاشیهای تزیینی دارای جایگاه مهمی هستند. این نقاشیا باعث تزیین ویژگی فضای داخل مساجد شده اند.

گونه ششم مساجد

مساجد با گنبدهای کاذب بر روی شبستان، جزو نوع ششم محسوب می شوند، مانند مسجد آبادی خبیل (۱۳۳۲ هـ. ق/ ۱۹۱۳ م). لیکن در طرح شبستان مساجد خبیل و نیوگدی، تغییراتی تدریجی در طراحی و کیفیت بهره برداری آن مشاهده می شود. فضای شبستان مسجد به سبب تعداد زیاد پنجره، ساختمان مناسب پالکن خاص باتوان در طبقه دوم و نقاشیهای تزیینی، مشخصه غیرمذهبی پیدا کرده است، بی آنکه با اصول اصلی طراحی ساختمانهای مذهبی اسلام مناسبت داشته باشد.

ویژگی دیگر مساجد منطقه قویا - کوسار این است که در این ساختمانها، منار یعنی عنصر بارز و گویای این ترکیب، وجود ندارد. در ساختمانهای مذهبی این منطقه به جای منار، کلاه فرنگیهای بر روی شیروانی چهار شیبه حجم اصلی مستقر شده اند. تنها منار این منطقه را مسجد نیوگدی دارا است، که